

تأثیر شرایط و امکانات سرزمینی بر مهاجرت و تداوم سکونت اشعریان در ناحیه قم

یعقوب تابش*

چکیده

انتخاب یک مکان به‌عنوان مقصد مهاجرت و تداوم سکونت، با امکانات سرزمینی و تکاپوهای مهاجران پیوندی دوسویه دارد. اشعریان در اواخر سده اول هجری به ناحیه قم آمدند و زیست جمعی خود را در این ناحیه تا اواسط سده چهارم هجری تداوم بخشیدند. این پژوهش درصدد است با در نظر داشتن عامل زمان و با نگاه به رهیافت جغرافیایی امکان‌گرا علل مهاجرت و تداوم سکونت اشعریان در ناحیه قم را تبیین نماید. در رویکرد امکان‌گرا شرایط و امکانات سرزمینی به‌عنوان بستر جغرافیایی و اقدامات مهاجران به‌عنوان عامل فعال انسانی به‌طور هم‌زمان مورد واکاوی قرار می‌گیرد. خالی بودن ناحیه قم از وجود مهاجرین متنفذ عرب، به آنها این امکان را داد که بتوانند بدون درگیری با قبایل رقیب حضورشان را در آنجا تداوم بخشند. حملات دیلمیان ضرورت پذیرش اشعریان را به‌عنوان نیروهای رزمی مدافع فراهم کرد و تغییر الگوی سکونت و تصاحب و مدیریت منابع آب و خاک از سوی اشعری‌ها، امکانات لازم را برای تداوم سکونت آنها فراهم و باعث توسعه همه‌جانبه ناحیه قم شد.

واژگان کلیدی

قم، اشعریان، امکانات سرزمینی، مهاجرت، تداوم سکونت.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری و مدرس دروس معارف اسلامی. y.tabesh@hsu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

طرح مسئله

اشعریان از قبایل یمن و از اعراب جنوبی به‌شمار می‌رفتند که نسبشان به «نَبْت بن اَدَد» از بنی‌کهلان می‌رسید.^۱ گروهی از آنها در زمان پیامبر ﷺ، از یمن به مدینه آمدند و ضمن مسلمان شدن، خدمات رزمی خویش را در سال‌های پایانی حیات پیامبر ﷺ عرضه کردند.^۲ در زمان خلفای راشدین، اشعری‌ها نقشی فعال در پیشبرد فتوحات داشتند. گشایش شهرهای زیادی از مناطق مرکزی ایران، به فرماندهان اشعری تبار - که قبیله خود را در جنگ رهبری می‌کردند - منتسب است.^۳ در همین دوره فتوحات، بخشی از اشعری‌ها^۴ همچون بیشتر سپاهیان مسلمان - که فتوحات شرقی بر عهده آنها بود - در عراق و به طور مشخص در شهر کوفه سکونت گزیدند و توانستند جایگاه مهمی را در این شهر به‌دست آورند. دشمنی متقابل اشعریان عراق و امویان در زمان حکومت حجاج و یوسف بن عمر ثقفی، کوفه را برای آنها ناامن کرد و گزینه مهاجرت را پیش رویشان قرار داد.

اشعری‌ها پس از مهاجرت به قم - نزدیک به سه قرن (اواخر قرن اول تا اواسط قرن چهارم) - بر جمعیت خود افزودند و توانستند آن ناحیه را توسعه دهند. به‌طوری‌که یک قرن پس از استقرارشان، به درخواست یکی از سران اشعری و از سوی خلیفه عباسی - هارون الرشید - قم از اصفهان مستقل شد. قدرت آنها به حدی رسید که اجازه نمی‌دادند محصلان مالیاتی و کارگزاران خلفا وارد قم شوند و از دخالت آنها در امور داخلی قم مانع می‌شدند. قضات شهر را خودشان انتخاب کرده و از سر قدرت، آشکارا مذهب خود را اعلام کردند؛ آن هم در زمانی که شیعیان، مذهب خود را از بیم حکومت‌های سنی‌مذهب پنهان می‌کردند.^۵ افزون بر اینها، حمایت مادی و معنوی از امامان شیعه ﷺ، پناه دادن به طالبیان،^۶ گسترش مکتب حدیثی شیعه و مبارزه با غلات، از خدمات دیگر اشعریان به مکتب تشیع است.^۷

۱. نک: ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۴، ص ۲۴۶.

۲. همان، ص ۷۹ - ۷۸، ۲۶۵ - ۲۶۴، ۲۸۰ - ۲۷۳.

۳. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۴۴۱ - ۴۳۹.

۴. حیدرسلک و مهریزی، اشعریان را بر اساس نزاع‌های بعد از قتل عثمان و با الهام از طه حسین، به سه گروه تقسیم کرده‌اند: گروهی طرفدار علی ﷺ، گروهی طرفدار عثمان و هوادار معاویه و گروهی فارغ از هر دو. گروهی که به قم مهاجرت کردند از طرفداران علی ﷺ بودند. (حیدرسلک و مهریزی، «اشعریان و تأسیس نخستین دولت‌شهر شیعه»، *شیعه‌شناسی*، ص ۵۰).

۵. قمی، *تاریخ قم*، ص ۶۸۵ - ۶۸۲.

۶. برای آگاهی نک: ابن‌طباطبا علوی اصفهانی، *مهاجران آل ابیطالب*؛ قمی، *تاریخ قم*.

۷. حسینیان مقدم و دیگران، *تاریخ تشیع*، ج ۲، ص ۱۷۱ - ۱۷۰، ۱۷۷ - ۱۷۶.

پرسش اصلی این پژوهش این است که آنها چگونه توانستند به چنین موفقیت‌هایی دست یابند؟ مدعای این تحقیق این است که عامل عمده در به‌دست آوردن این توفیقات، بهره‌برداری از شرایط و امکاناتی بود که در سرزمین قم برای آنها فراهم بود. روشی که برای اثبات این مدعا به‌کار گرفته شده، تحلیل تاریخ‌مند با نگاه به رهیافت جغرافیایی امکان‌گرا است.

در رویکرد امکان‌گرا^۱ که بنیان‌گذار آن پل ویدال دولابلاش^۲ — جغرافی‌دان فرانسوی — است، تأثیر عوامل جغرافیایی، حتمی و غیرقابل کنترل نیست، همیشه درجاتی از امکانات گسترده طبیعی وجود دارد که موجب تنوع وسیعی از انتخاب می‌شود؛ قول مشهور دولابلاش در این باره چنین است:

در همه مراتب، طبیعت امکاناتی عرضه می‌کند؛ انسان است که در میان این امکانات گزینش می‌کند. جغرافیا پارچه اصلی را تهیه، و انسان نقشه آن را گلدوزی می‌کند.^۳

او از دیدگاهی حمایت می‌کرد که در آن، مناطق جغرافیایی از منظر انسان‌های ساکن در آن، بررسی می‌شد.^۴ محور اصلی تفکر او تأکید بر شیوه‌های زندگی بود که در محیط‌های مختلف جغرافیایی گسترش یافته است.^۵ ویدال روی دو عامل اصلی تأکید داشت: قلمرو طبیعی و شیوه زندگی. در دیدگاه امکان‌گرایی، محیط طبیعی، امکاناتی جهت انتخاب انسان عرضه می‌دارد تا انسان برابر نیازهای فرهنگی و زندگی خود از این امکانات انتخاب کند. در واقع امکان‌گرایی برخلاف رویکرد جبرگرایی^۶ به انتخاب آزاد انسان و نه مقید او باور دارد. بدین‌سان که الگوهای فضایی — مکانی فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی، در داخل یک محیط آزاد شکل می‌گیرد.^۷ از نظر دولابلاش شرایط امروزی پدیده‌ها با تکامل و تحول تاریخی آنها ارتباط دارد.^۸

مقالات متعددی درباره اشعریان نوشته شده که هدف بیشتر آنها تبیین جایگاه رجالی و حدیثی آنها است. پیروزفرد و آجیلیان سیر مکتب حدیثی قم و میزان تأثیرپذیری این مکتب از خاندان اشعری را

1. Possibilism.

2. Paul Vidal de la Blache. (1845-1918)

۳. به نقل از: خاکرند، «نظریه جغرافیایی فلسفه تاریخ»، کیهان اندیشه، ص ۵۲.

۴. کریمی، «مکتب تاریخ‌نگاری آنال»، تاریخ و تمدن اسلامی، ص ۱۷۲.

۵. شکوئی، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱، ص ۳۱.

6. Determinism.

۷. شکوئی، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱، ص ۳۱ و ۲۶۴؛ فرید، سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی،

ص ۱۴۴؛ بیک‌محمدی، مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا، ص ۱۷۴.

۸. شکوئی، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱، ص ۲۶۷.

مورد بررسی قرار داده‌اند،^۱ حاج تقی جایگاه حدیثی اشعریان را بررسی کرده است،^۲ فرشچیان به خدمات اشعریان در زمینه انتشار علوم شیعی و مبارزه با غالبان پرداخته است،^۳ داوطلب به نقش اشعری‌ها در شکل‌گیری حوزه حدیثی قم می‌پردازد،^۴ حیدرسرلک و مهریزی کوشیده‌اند قم را یک دولت‌شهر در درون خلافت عباسی قلمداد کنند^۵ و این در صورتی است که خلفای عباسی هرگاه مخالفتی از سوی قمی‌ها مشاهده می‌کردند برای تحمیل حاکمیتشان با شدت وارد عمل می‌شدند،^۶ دادفر و عبدی بر این باورند که اشعری‌ها ضمن حفظ عصبيت قبیله‌ای بر نهاد دین تأثیر گذاشته و باعث تحولاتی در عرصه اجتماع و اقتصاد شده‌اند،^۷ السید علی با طرح چند سؤال به مهاجرت اشعری‌ها به قم و شیعه بودن یا نبودن آنها پرداخته است،^۸ بیات و دهقان‌پور به عوامل متعددی که موجب مهاجرت اعراب مسلمان به ایران شده اشاره کرده‌اند که در قسمتی از آن تنها به علل امنیتی مهاجرت عرب‌ها به قم اشاره شده است،^۹ جعفریان به نفوذ تشیع در قم، مهاجرت قبایل عرب به قم، نقش آنها در گسترش تشیع و معارف شیعه و ارتباط آنها با امامان شیعه می‌پردازد^{۱۰} و صفری تنها به جنبه‌هایی از خصوصیات جغرافیایی قم به‌عنوان یکی از مناطق اصلی حضور شیعیان در گفتار سوم از فصل چهارم کتابش اشاره می‌کند.^{۱۱}

پایان‌نامه‌هایی که اشعریان قم را مورد مطالعه قرار داده‌اند، بیشتر بر روی جایگاه رجالی و حدیثی آنها تمرکز کرده‌اند^{۱۲} و اگر برخی از آنها اشاراتی به امکانات سرزمینی کرده‌اند، یا از آن به سرعت

۱. بیروزفر و آجیلیان، «خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم»، حدیث پژوهی، ص ۸۴ - ۷۵.
۲. حاج تقی، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، علوم حدیث، ص ۲۳۴ - ۲۰۵.
۳. فرشچیان، «نخستین شیعیان در ایران»، مطالعات ایرانی، ص ۸۴ - ۷۵.
۴. داوطلب، «نقش مذهبی و فرهنگی خاندان اشعری در گسترش تشیع تا قرن چهارم هجری»، فرهنگ پژوهش، ص ۱۶۶ - ۱۴۷.
۵. حیدرسرلک و مهریزی، «اشعریان و تأسیس نخستین دولت شهر شیعه»، شیعه‌شناسی، ص ۸۰ - ۴۷.
۶. طبری، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوك، ج ۱۳، ص ۵۷۳۳ و ۵۷۵۰؛ قمی، تاریخ قم، ص ۴۰۸ - ۴۰۷.
۷. دادفر و عبدی، «تأثیر مهاجرت اشعریان بر تحولات اجتماعی»، شیعه‌شناسی، ص ۱۳۶ - ۱۰۹.
۸. السید علی، «الاشعریون فی تاریخ قم»، الهادی، ص ۷۵ - ۶۰.
۹. بیات و دهقان‌پور، «انگیزه‌های کوچ اعراب مسلمان به ایران در جریان فتوح و پیامدهای آن»، فصلنامه علمی تخصصی سخن تاریخ، ص ۳۷ - ۳۳.
۱۰. جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۳۱۹ - ۲۶۲.
۱۱. صفری، تشیع در ایران قرن دوم و سوم هجری، گفتار سوم از فصل چهارم.
۱۲. مکوندی، خاندان اشعری؛ اشعری، جایگاه خاندان اشعری در مکاتب حدیثی شیعه؛ دربانوردیان، بررسی جایگاه اشعریان قم و تشیع در ایران.

گذشته و یا تنها به نقل داده‌ها از تاریخ قم - بدون رویکرد تحلیلی - بسنده کرده‌اند.^۱ از آنجاکه هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور روشمند به تکاپوهای اقتصادی و اجتماعی اشعریان و نقش امکانات سرزمینی قم در مهاجرت و تداوم سکونت آنها نپرداخته‌اند، پرداختن به پژوهش حاضر ضرورت می‌یابد.

امنیت، عامل نخستین مهاجرت اشعریان

گروهی از اشعریان با میل و رغبت در همان عصری که پیامبر ﷺ در مدینه بود، به وسیله کشتی از یمن به مدینه مهاجرت کردند.^۲ پس از وفات پیامبر ﷺ و آغاز فتوحات اسلامی، اشعریان به احتمال قوی در دوره خلافت خلیفه دوم به کوفه آمدند.^۳ آنها همراه سایر طوایف عرب برای پیشبرد مقاصد نظامی خلفای نخستین و گسترش جغرافیای قلمرو اسلام، به عراق مهاجرت کردند. محیط مدینه نمی‌توانست پذیرای قبایلی باشد که برای پیوستن به نیروهای پیامبر اسلام ﷺ آمده بودند. همچنین فراهم کردن امکانات زیستی و اجتماعی آنها برای مدینه مشکل بود. فتوحات، انگیزه مناسب برای مهاجرت از مدینه را فراهم آورد؛ با انجام جهاد، آنها افزون بر اینکه به یکی از وظایف دینی خود عمل می‌کردند، می‌توانستند از غنائم نیز بهره‌بردارند.

در دهه‌های پایانی سده اول هجری، دو عامل مجال زیستن در عراق را تنگ کرده بود: تراکم جمعیت رزمی عرب در عراق و رسیدن فتوحات به مراحل میانی و پایانی. این تنگنا برای قبایل مخالف حکومت اموی - همچون اشعریان - وضعیت وخیم‌تری را رقم می‌زد زیرا خلفا به خاطر دشمنی با آنها افزون بر نادیده گرفتن حقوق شهروندی و نپرداختن حقوق مادی آنها از بیت‌المال،^۴ جان آنها را مورد تهدید قرار می‌دادند.

شیعیان و هواداران علی ﷺ در کوفه هرگاه فرصتی به دست می‌آمد و رهبری ظهور می‌کرد، در قیام‌های ضدحکومتی تحت‌رهبری یکی از علویان شرکت می‌کردند^۵ و از جانب حکومت تحت‌تعقیب قرار می‌گرفتند. از این‌رو امنیت از مقوله‌هایی بود که در عراق برای شیعیان و مخالفان حکومت بنی‌امیه، یا وجود نداشت یا بسیار شکننده و غیرقابل اطمینان به نظر می‌رسید. مهاجرت به سرزمین

۱. مکنونی، *خاندان اشعری*، ص ۱۴۸ - ۱۳۹.

۲. قمی، *تاریخ قم*، ص ۷۶۱ - ۷۵۴؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی تمیز الصحابه*، ج ۶، ص ۲۶.

۳. حسینیان مقدم و دیگران، *تاریخ تشیع*، ج ۲، ص ۱۶۷ - ۱۶۴.

۴. مثل قبایل همدان و بنی‌عبدالقیس. جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ج ۲، ص ۱۶۱.

۵. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*.

ایران، آنها را از دسترس حکومت دور می‌کرد، از فشار بر آنها می‌کاست و فرصت‌های جدیدی را فرا روی آنها قرار می‌داد.

بخشی از اشعریان کوفه^۱ در زمره هواداران علی علیه السلام و مخالفین حکومت اموی بودند که مهاجرتشان به قم، بیشتر دلایل امنیتی داشت. مؤلف تاریخ قم در فصلی مفصل، علت مهاجرت اشعریان به قم را بر اساس منابع مکتوب و شفاهی که در دسترسش بوده، نگاشته است.^۲ او روایات متعددی را برای مهاجرت اشعریان به قم ذکر می‌کند: دشمنی اشعریان با بنی‌امیه، شرکت در قیام زید بن علی، سرپیچی محمد سائب اشعری از فرمان حجاج، شرکت اشعریان در قیام ضد اموی پسر اشعث، کشته شدن محمد سائب به دست حجاج.^۳ او می‌کوشد روایات مختلف را در این باره گردآورد و در آخر نظر خود را بیان کند. در پایان، قمی روایات مهاجرت اشعریان در روزگار حجاج را صحیح‌تر می‌داند. به نظر می‌رسد قدرت‌گیری اشعریان در قم - حتی اگر مهاجرت آنها در زمان حجاج روی داده باشد - مربوط به سال‌های پایانی حکومت امویان است که بنیاد حکومت اموی سست و متزلزل شده بود و نمی‌توانست از پس همه مخالفانش برآید. اشعریان از این موقعیت استفاده کردند و در سال‌های پایانی حکومت اموی - یا دوره انتقال حکومت از امویان به عباسیان - جایگاه خود را ارتقاء دادند. به هر روی هرکدام از روایت‌ها که درست باشد، حاصلش این است که خشم حاکمان کوفه - که از سوی خلیفه اموی در شام منصوب می‌شدند - از اشعری‌ها و به وجود آمدن نوعی ناامنی در زندگی اشعریان کوفه، موجبات مهاجرت آنها را فراهم آورد.

تأثیر امکانات و شرایط سرزمینی بر استقرار نخستین اشعریان در ناحیه قم

در رویکرد امکان‌گرا توجه هم‌زمان به جغرافیا و کنش انسانی، مورد توجه است. قم در اواخر قرن اول هجری، به دلیل برخی ویژگی‌های طبیعی، باعث جذب مهاجران عرب به خود شد.^۴ واقع شدن

۱. بخشی از اشعریان کوفه در این زمان از هواداران علی علیه السلام به‌شمار می‌رفتند، ظاهراً گرایش اشعری‌ها به تشیع امامی، به سال‌های پس از اقامتشان در قم بازمی‌گردد. (بنگرید به: مادلونگ، «تشیع امامی و زیدی در ایران»، *کیهان اندیشه*، ص ۱۵۱)

۲. قمی، *تاریخ قم*، ۷۴۰ - ۶۷۹.

۳. همان.

۴. در زمان فتوحات اولیه مسلمین، قم جزئی از نواحی اصفهان بود. این نواحی به‌دست ابوموسی اشعری و امیران لشکر او فتح شد. این مطلب را نمی‌توان نادیده گرفت که این سابقه در ذهن اشعری‌ها بی‌تأثیر نبوده است. (قمی، *تاریخ قم*، ص ۵۳) این رسته نیز قم را از نواحی اصفهان می‌داند. (ابن‌رسته، *الأعلاق النفیسه*، ص ۱۵۲)

قم در منطقه بیابانی و منتهی شدن آن به صحرای باز،^۱ اعراب را به یاد عربستان می‌انداخت.^۲ این طبیعت برای آنها آشنا بود و در آن احساس آرامش بیشتری می‌کردند. علی‌رغم واقع شدن قم در منطقه بیابانی، وجود منابع آبی و زمین مناسب، امکان زیستن در این شهر را فراهم می‌کرد. آب کافی برای کشاورزی در قم وجود داشت. رود قم، کاریزها، نهرها و جوی‌هایی که آب آنها می‌توانست زمین‌های حاصل‌خیز این شهر را سیراب نماید. با این حال در تابستان، مردم آب آشامیدنی را از چاه تهیه می‌کردند.^۳

یعقوبی در خصوص قم‌رود که از میان شهر می‌گذشت، می‌نویسد:

شهر بزرگ قم، [که] به آن «منیجان» گفته می‌شود، شهری است جلیل‌القدر که گویند در آن هزار گذر است و درون شهر دژی است کهن برای عجم و در کنار آن شهری است که به آن «کمدان»^۴ گفته می‌شود و آن را رودخانه‌ای است که در میان دو شهر آب در آن جاری است و روی آن پل‌هایی است که با سنگ بسته شده و روی آنها از شهر «منیجان» به شهر «کمدان» عبور می‌کنند.^۵

آب این رودخانه از کوه‌های خوانسار فعلی سرچشمه می‌گرفت و پس از عبور از شهر قم به رودهای دیگری می‌پیوست و سرانجام به اتفاق آنها در کویر لوت فرو می‌رفت.^۶ خاک قم قابلیت نگهداری رطوبت برای مدت زمان طولانی را داشت.^۷ وجود مرغزاری وسیع در اطراف قم، یکی از شرایط تشکیل شهر را برای اعراب مهاجر فراهم کرد و به آنها امکان توسعه شهر را در سده‌های بعدی داد. یعقوبی وسعت این مرغزار را ده فرسخ می‌داند که در انتها به کوه‌ها می‌رسیده است.^۸ این مرغزار و مزارعی که در این سرزمین کشت می‌شد، می‌توانست علوفه مورد نیاز حیوانات اهلی را فراهم آورد، همچنین هیمه مطبخ‌ها و غذای ساکنان را از زمین بیرون آورد.

هرچند شاه‌راه اصلی عراق به خراسان، از همدان و ساوه به ری می‌رسید؛ و شهر ساوه درست بین

۱. قدامة بن جعفر، کتاب الخراج، ص ۴۹.

۲. السید علی، «الاشعریون فی تاریخ قم»، الهادی، ص ۶۵.

۳. یعقوبی، البلدان، ص ۴۹.

۴. نام قم برگرفته از دو حرف آغازین کمدان است. (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷)

۵. همان.

۶. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۲۸.

۷. قمی، تاریخ قم، ص ۱۴۸.

۸. یعقوبی، البلدان، ص ۴۹.

همدان و ری قرار داشت^۱ اما دو راه از ساوه و کرج (ابی دلف) به آوه و از آوه به قم می‌رسید. به عبارت دیگر راه‌هایی از قم به ری و اصفهان و کرج و همدان می‌رفت.^۲ این موقعیت، قم را به یک چهارراه تبدیل کرده بود که امکان تردد به جهات مختلف را امکان‌پذیر می‌ساخت؛ از نظر تجاری، قم تنها به‌عنوان مکانی برای عبور و مرور کاروان‌ها نبود بلکه اقلامی همچون کرسی، لگام، رکاب، پارچه و زعفران در آنجا بسیار بود.^۳ نویسنده *حدودالعالم* قم را شهری بزرگ وصف کرده که «در آن زراعت بسیار است. ساکنانش شیعه‌اند و در آن زعفران به‌عمل می‌آید».^۴

این ویژگی‌ها و قابلیت‌ها، انگیزه‌های معیشتی را برای کسانی که قصد مهاجرت داشتند، فراهم می‌کرد. افزون بر این، وجود روایاتی که از قول بزرگان نقل شده، در جذب مهاجران بی‌تأثیر نبوده است. از جمله درباره سرزمین جبال به‌ویژه قم روایتی نقل شده بدین شرح: ابوموسی اشعری روایت کند که از امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام، درباره سالم‌ترین زمین‌ها و بهترین جاها، به هنگام نزول فتنه و بلا و گرفتاری پرسیدم، فرمود:

در آن روز، سالم‌ترین جاها، زمین جبل است. هرگاه خراسان بیاشفت و میان گرگان و طبرستان جنگ افتاد و سیستان ویران گشت، به جبل رو، زیرا که در آن روز، سالم‌ترین جاها قصبه قم است. این همان شهری است که یاران مردی که از بهترین خاندان‌هاست، از آن به درآیند؛ و این همان جاست که «زهراء» نامیده شود. در قم جای پای جبرئیل علیه السلام است روزی که به سوی مردم لوط برفت؛ و همان جای جوشش‌گاه آن آب است که هرکس آن را بیاشامد از درد ایمن ماند. با همان آب گلی که عیسی علیه السلام آن را به شکل پرنده ساخت خمیر شد و در آن آب رضای علیه السلام خود را بشوید؛ و از همان جای قوچ ابراهیم علیه السلام و عصای موسی علیه السلام و انگشتی سلیمان علیه السلام درآمد.^۵

در تحلیل این روایت نکاتی جلب توجه می‌کند که با موضوع این پژوهش در ارتباط است؛ گذشته از صحت یا عدم صحت محتوای روایت و انتساب آن به حضرت علی علیه السلام، کارکرد این روایت با توجه دقیق به محتوای آن قابل تشخیص است؛ بی‌تردید شیعیان به‌عنوان رقیب خلفای

۱. اصطخری، *المسالك و الممالك*، ص ۱۱۶.

۲. یعقوبی، *البلدان*، ص ۴۹.

۳. مقدسی، *احسن التقاسیم*، ج ۲، ص ۵۹۲.

۴. ناشناخته، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ص ۱۵۲.

۵. ابن‌فقیه، *البلدان*، ص ۹۹.

اموی و عباسی که در هنگام به‌روز آشفستگی‌های سیاسی و گرفتاری‌ها نیاز به اقامت درجایی داشتند تا از گزند حکومت به دور بمانند، مخاطب اصلی این روایت بودند. به عبارت دیگر در این روایت گوینده درصدد است مکانی امن را معرفی کند تا مخاطبی که در گرداب بلاهای سیاسی و اجتماعی گرفتار شده به آن پناه ببرد یا مهاجری که در قم اقامت کرده را به سکونت دائم در آنجا تشویق کند، سرانجام با برشمردن و انتساب رویدادهای مبارکی که در آن مکان اتفاق افتاده او را به آنجا علاقه‌مند کند یا به عبارت دیگر حب‌وطن جدید را در او تقویت نماید.

پاسخ این سؤال که: چرا اشعریان از بین مناطق مختلف ایران ناحیه قم را به‌عنوان سکونت‌گاه خود انتخاب کردند؟ نمی‌تواند با شرایط و امکانات سرزمینی قم بی‌ارتباط باشد. آشنایی اشعریان با سرزمین قم شاید - آن‌طور که در روایات بیان شده - به عصر فتوحات اولیه در زمان خلفای راشدین برگردد. این سرزمین بنا به روایات، به دست سرداران اشعری تبار فتح شدند. قصه فتح این مناطق نسل‌به‌نسل در بین اشعریان منتقل شد و سرانجام هنگامی که در عراق از سوی حاکمان اموی به آنها سخت گرفته شد، به این ناحیه روی آوردند.^۱ در یکی از روایات از بحث بین دو برادر اشعری - عبدالله و احوص - بر سر انتخاب مکان مهاجرت صحبت به میان آمده است. احوص که زودتر از عبدالله به قم رسیده بود آنجا را برای سکونت مناسب می‌دانست اما عبدالله او را به خاطر نرفتن به اصفهان یا قزوین که یکی از «ثغور اسلام» است، سرزنش می‌کند. پاسخ احوص به برادرش دلیل مهمی برای انتخاب قم است. او می‌گوید در اصفهان اکثریت مهاجران را اعراب مضر تشکیل می‌دهند که برای اشعریان ارزشی قائل نیستند. منظور احوص از بیان این جمله اشاره به درگیری و رقابت دیرینه اعراب شمالی و جنوبی بود. از آنجا که مضرها اعراب شمالی بودند و اشعریان از اعراب جنوبی، از نظر احوص رفتن به آنجا با تدبیر سازگار نبود. اشعریان نمی‌توانستند به‌عنوان اقلیت در بین اکثریت مضر زندگی آرامی داشته باشند. رفتن به قزوین نیز از نظر او صحیح نبود زیرا قزوین همواره مورد تعرض دیلمی‌ها بود و آنها دائم در قزوین و اطرافش زحمت می‌آفریدند.^۲

در قم ظاهراً پیش از ورود اشعریان، عرب‌ها جمعیت قابل‌اعتنایی نداشتند. مدحجی‌ها^۳ و بنی‌اسد^۴

۱. قمی، تاریخ قم، ص ۷۳۲ - ۷۳۰.

۲. همان، ص ۱۰۱ - ۱۰۰.

۳. یعقوبی، البلدان، ص ۴۹. مَدْحَج قبیله‌ای از یمانی‌ها «هو مَدْحَجُ بنِ یُحَابِرِ بنِ مالک بن زَیْدِ بنِ کَهْلانِ بنِ سبِی». (ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۶۴)

۴. قمی، تاریخ قم، ص ۱۱۶.

که گزارش‌هایی درباره حضورشان در این ناحیه وجود دارد،^۱ در زمان ورود اشعریان معروفیت و قدرت چندانی نداشتند زیرا بنا بر گزارش‌ها، اداره این ناحیه قبل از قدرت‌یابی اشعریان با بومیان ایرانی بود.^۲ ایرانی‌ها که در این ناحیه بیشتر به کشاورزی مشغول بودند، کمتر استعداد نظامی داشتند، ناحیه قم همچون قزوین، از دستبرد و گزند دیلمیان در امان نبود، هرچند این حملات هرچه از قزوین فراتر می‌رفت کمتر می‌شد اما اموال ساکنان ایرانی آبادی‌های ناحیه قم هم گاهی به دست دیلمیان غارت می‌شد و خود آنها اسیر می‌شدند. آنچه باعث شد ایرانیان حضور اشعریان را در این ناحیه بپذیرند، کارکرد نظامی آنها بود. هم ایرانیان این نواحی و هم اشعریان به یکدیگر نیازمند بودند؛ اشعریان با آمادگی نظامی خود می‌توانستند از ایرانی‌ها و اموالشان محافظت کنند و ایرانی‌ها هم با پناه دادن به اشعریان و دادن اقطاع برخی آبادی‌ها در عوض خدمات نظامی، مسکن و معاش آنها را تأمین کردند. بیشتر روایاتی که به ورود اشعریان به ناحیه قم پرداخته‌اند، کارکرد نظامی اشعریان را به‌عنوان عامل پذیرش آنها از سوی ایرانیان تأیید می‌کنند.^۳

براساس یکی از این روایات، اشعریان اول‌بار به کوه‌های «قریه ابرشتجان» - جایی که آب و گیاه فراوان داشت - در کنار چشمه‌ای به نام «بشک چشمه» یا «آشمرزه» خیمه زدند. «چند روز مقام کردند؛ و قافله‌ها که می‌گذشتند ایشان را حمایت می‌کردند و بدرقه می‌شدند.» متولی این چشمه یکی از اشراف ایرانی منطقه به نام خربنداد بود. اولین ارتباط بین بزرگان ایرانی و احوص اشعری بسیار دوستانه و مسالمت‌آمیز گزارش شده است.^۴ از قضا در همان ایام، احوص و مردانش گروهی از دیلمان را که در طلب غنیمت به ناحیه قم آمده بودند، شکست دادند و با غنائم و اسرای دیلم نزد بزرگان ایرانی رفتند. بزرگ ایرانیان، یزدانفادار، از حضور آنها شادمان شد و از احوص درخواست کرد در این ناحیه اقامت کند:

او اجابت کرد و راضی شد. پس اتفاق کردند بر آنکه احوص به قریه ممجان^۵ - که در میان ناحیت واقع شده است - فرود آید تا چون دیلم از هر طرف که خواهند که درآیند، احوص منع ایشان کند و به دفع ایشان مشغول شود ... احوص همه اوقات

۱. برای آگاهی از حضور اعراب در قم پیش از اشعریان، بنگرید به: السید علی، «الاشعریون فی تاریخ قم»، الهادی، ص ۶۴.

۲. قمی، در گزارش‌های متعدد، به جایگاه مدیریتی بزرگان ایرانی در ناحیه قم، قبل از ورود اشعری‌ها اشاره کرده است. (قمی، تاریخ قم، ص ۷۴۱ - ۶۷۹)

۳. بنگرید به: همان، ص ۷۰۹ - ۷۰۶، ۷۳۲ و ۷۴۰.

۴. همان، ص ۶۹۲ - ۶۹۰.

۵. ممجان یا منیجان.

مترصد و مترقب می‌بود تا هرگاه که جمعی از دیلم بدین ناحیت برسند، ایشان را بکشد و اسیر کند تا غایت که مردم از آمدن دیلم به وجود احوص در حمایت آمدند و دیلم از آن ناحیت منقطع شدند و بازایستادند.^۱

افزون بر اینکه شرایط اجتماعی ناحیه قم آماده پذیرش اشعریان بود و کارکرد اجتماعی مشخص یعنی تأمین امنیت برای آنها در نظر گرفته شد، امکاناتی که در اختیار آنها گذاشته شد نیز آنها را به ماندن تشویق کرد. احوص در گفتگو با برادرش عبدالله بر سر مکان سکونت، از قم به‌عنوان «موضعی خوش و فراخ بوم و بسیار نعمت» یاد می‌کند. یزدانفادار پس از تعیین ممجان به‌عنوان محل سکونت اشعریان، دستور داد هر یک از برادران در خانه یکی از اشراف ایرانی ساکن شود؛ عبدالله در سرای مردی به نام زادخره و احوص در سرای خربنداد اقامت گزید. در این دو منزل همه امکانات از قبیل روانداز و زیرانداز، ظروف، لوازم خانه و سایر کالاهایی که برای یک زندگی لازم بود، فراهم شد. سپس یزدانفادار «دیه جمر» را به اقطاع ایشان داد و چند ماه بعد که هنگام کشت پاییزه فرارسید، بذر و سایر اسباب کشت و زرع به همراه حیواناتی که برای شخم‌زدن زمین لازم بودند در اختیار آنها قرار داده شود. چند سال بعد در یک مهمانی که از سوی یزدانفادار برگزار شده بود، عبدالله و احوص، از اندکی چراگاه‌های شتران و اسبان و گوسفندان شکایت کردند و این‌بار یزدانفادار که همواره به آنها توجه داشت، «دیه فراه» از ناحیه قم را به اقطاع آنها داد.^۲ دادن این امکانات به اشعریان مؤید این است که ایرانی‌ها خواستار سکونت دائم آنها در ناحیه قم بودند.

یکی دیگر از خدمات اشعریان، محافظت از کاروان‌ها و مسافرانی بود که قصد داشتند نواحی کویری بین قم تا ری را برای رسیدن به شاهراه خراسان بپیمایند. آنها در عوض این خدمت از مسافران مزد می‌گرفتند. همان‌طور که ذکر شد اشعریان از همان آغاز به شغل حفاظت از کاروانیان پرداختند، حتی بعد از ۲۸۰ سال که برتری خود را در ناحیه قم از دست دادند و به ممالک دیگر پراکنده شدند، عده‌ای از آنها که در قم ماندند، دوباره به محافظت از کاروانیان و مسافران مشغول شدند.^۳

دگرگونی در الگوی سکونت و ساختار شهری قم

به خدمت گرفتن مناسب امکانات سرزمینی از سوی انسان، در رویکرد امکان‌گرا دگرگونی‌هایی را در جهت فراهم آوردن شرایط بهتر برای زیستن، پدید می‌آورد. اشعری‌ها پس از استقرار در سرزمین

۱. قمی، تاریخ قم، ص ۷۰۹ - ۷۰۲.

۲. همان، ۶۹۴ - ۶۹۲.

۳. همان، ص ۶۸۶.

جدید، با بهره‌گیری از امکانات سرزمینی ناحیه قم، تغییراتی در نحوه سکونت خود، متناسب با امکاناتی که سرزمین جدید به آنها می‌داد، ایجاد کردند. برای فهم این تغییرات، شناخت وضعیت اجتماعی و مدیریت سیاسی منطقه، پیش از ورود اشعری‌ها ضروری به نظر می‌رسد. بنا بر تاریخ قم، قباد شاه ساسانی در آبادانی ناحیه قم کوشید. ایجاد بازار و آتشکده و بنای قم و روستاهایش را به قباد نسبت داده‌اند. در جریان فتح ایران توسط اعراب مسلمان، قم به صورت دهکده‌هایی پراکنده درآمد. تا اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری، ساکنان این دهکده‌ها، عموماً زرتشتی و دهقان بودند.^۱ ظاهراً ارتباط آنها با حکومت اموی، به امور مالی، جزیه و خراج، محدود می‌شد. حتی کسانی که مالیات هر آبادی را تعیین می‌کردند و پس از گردآوری به مأموران حکومت می‌دادند، از خود ایرانیان بودند.^۲

پس از استقرار اولیه اشعری‌ها در قم، قراردادی بین آنها و بزرگان بومی - یزدانفادار و خربنداد - نوشته شد تا هر دو طرف تعهدات و وظایف خود را بدانند و با آرامش و اطمینان به زندگی خود ادامه دهند. تا زمانی که یزدانفادار و خربنداد زنده بودند، مشکلی بین بومیان و اشعری‌ها نبود اما با فوت آنها رشک بومیان از پیشرفت‌های سریع اشعری‌ها برانگیخته شد و برخلاف پیمان، درصدد بیرون کردن اشعری‌ها از سرزمینشان برآمدند. احوص اشعری با طرح نقشه‌ای، بزرگانی که ایده بیرون کردن اشعری‌ها را داشتند، به قتل رساند.^۳ پس از این واقعه اشعری‌ها به‌عنوان نیروهای غالب بر ناحیه قم تسلط یافتند و مدیریت امکانات سرزمینی آنجا را بر عهده گرفتند. بی‌تردید هم‌گرایی و عصیبت قبیله‌ای، عامل مهم موفقیت احوص در رویارویی با خواسته بومیان و سلطه اشعریان بر منابع ثروت و قدرت به‌شمار می‌رود.

توصیفات جغرافی‌نویسان سده‌های نخستین اسلامی نشان از پیشرفت مادی قم در زمان سکونت اشعری‌ها دارد. نقش اشعری‌ها در توسعه قم به اندازه‌ای است که بنیان قم - به منزله یک شهر - را به آنها نسبت داده‌اند.^۴ قمی به نقل از حمزه اصفهانی مراحل شکل‌گیری شهر قم را پس از تسلط اعراب اشعری چنین وصف می‌کند:

چون عرب اشعریان به قم آمدند، در جوانب قم، در خیمه‌هایی از موی نزول کردند.

۱. برای آگاهی بیشتر نک: همان، ص ۴۶ - ۴۴، ۴۸، ۴۹ و ۲۴۹.

۲. موارد ذکر شده را می‌توان از روایت‌هایی که نویسنده تاریخ قم درباره چگونگی مواجهه اشعریان و ایرانیان قم مطرح کرده، استنباط کرد. برای آگاهی بیشتر نک: همان، ص ۶۹۴ - ۶۹۱.

۳. قمی، تاریخ قم، ص ۷۱۷ - ۷۱۶.

۴. حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷ و ۴۵۰؛ اصطخری، مسالك و الممالك، ص ۲.

چون در این ناحیه متمکن شدند، در صحاری، هفت ده، خطه و منزل ساختند و سراها و بناها و قصرها و عمارت‌ها بنا نهادند و فرود آمدند و آن هفت ده: ممجان و قزدان و مالون و جمر و سکن و جلنبدان و کمیدان است که الیوم قصبه و محله‌های قم است و حصارهای این دیه‌ها در این محال قائم و راسخند و علامت و نشان آنند. چون سراهای ایشان بزمین دیه‌های هفت‌گانه بسیار شد و به یکدیگر نزدیک گشتند از نام‌های این هفت دیه، نام قریه کمیدان اختیار کردند و مجموع این دیه‌های هفت‌گانه را کمیدان نام نهادند. بعد از مدتی چند، در این نام اختصار کردند و چهار حرف از جمله شش حرف کمیدان بینداختند و بر دو حرف اختصار کردند و گفتند: کم. پس اعراب دادند و گفتند که قم.^۱

از این نوشته مختصر، چگونگی شکل‌گیری شهر قم به‌دست اشعریان مشخص می‌شود. مسکن اشعریان در آغاز، چادرهایی از موی بود. پس از افزایش ثروت و جمعیت، به‌تدریج الگوی سکونت خود را تغییر دادند. آنها در زمین‌های پیرامون دهات هفت‌گانه، شروع به خانه‌سازی و عمارت‌سازی کردند و در آن بناها مستقر شدند. بناهای جدید تنها شامل خانه‌های معمولی نبود که در آنها کشاورزان، مقنیان، چهارپاداران، کسبه بازار و به‌طور کلی مردم عادی سکونت داشتند بلکه ثروتمندان و بزرگان برای خود خانه‌های مجلل‌تری ساختند که از آنها با عنوان «قصر» در گزارش اصفهانی یاد شده است. علاوه بر بناهای مسکونی، عمارت‌هایی که کاربرد عمومی داشتند و شامل ساختمان‌های اداری و حکومتی (شامل دارالضرب، دارالخراج، دیوان آب و ...)، مسجد و بازار (واحد‌های تجاری و تولیدی همچون لگام‌سازان، وراقان، نساجان، کرسی‌سازان، رکاب‌سازان، پارچه‌فروش‌ها و مغازه‌های فروش زعفران و سایر اقلام کشاورزی که در ناحیه به عمل می‌آمد و ...) می‌شدند، ساخته شد.^۲

چون تعداد این بناها روبه‌فزونی نهاد، ده‌ها به هم نزدیک شدند و شهری واحد را شکل دادند. کارایی الگوی سکونت بومی در ناحیه قم که بر اساس اوضاع محیطی و اقتضات جغرافیایی - اجتماعی، در طول زمان ایجاد شده بود، باعث شد اشعری‌ها الگوی سکونت فیزیکی خود را تغییر دهند. با در نظر گرفتن روایت حمزه اصفهانی، تصویری از مراحل تکوین قم از نظر فیزیکی، سکونت، ساختار جغرافیایی و سپس نفوذ تدریجی و اجتماعی اشعریان قم به‌دست می‌آید. به‌نظر می‌رسد اشعریان

۱. قمی، تاریخ قم، ص ۴۶ - ۴۴. قمی اشتقاق نام قم از کمیدان را از اختراعات حمزه اصفهانی می‌داند و قول احمد برقی را صحیح‌تر می‌داند که چون آب انار و ثیمره در این مکان جمع می‌شد، علفزاری به وجود آمده بود که چوپانان در آنجا کومه‌هایی - خانه‌های با سقف پست - ساختند و نام قم از واژه «کومه» گرفته شده است. (همان، ص ۵۱ - ۵۰).
۲. نک: همان، ۱۰۹، ۱۲۴ و ۴۲۰ - ۴۱۱؛ مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۹۲.

مدت‌های مدیدی سبک سکونت قبیله‌ای و چادرنشینی خود را حفظ کردند. وضعیت زندگی در این مکان و تأثیر عامل محیطی حومه اصفهان، آنها را ناگزیر کرد تا برای حفظ خود، سرپناه و شکل فیزیکی سکونت خود را تغییر دهند.^۱

یکی از تغییرات اساسی که به هویت مدنی و مذهبی اشعریان مربوط است، ساخت مسجد بود. گفته می‌شود احوص بن سعد بن مالک اشعری، اقدام به تخریب آتشکده قم نموده و برای برادرش، عبدالله بن سعد، مسجدی ساخت که از بوستان خانه عبدالله به آن راهی بود. این مسجد ظاهراً اولین عبادتگاهی بود که به دست اشعری‌ها در «دزپل»^۲ قم بنا شد. از گزارش قمی چنین برداشت می‌شود که این مسجد تا مدت‌ها مهم‌ترین مسجد قم بوده است.^۳ هرچند حیدرسرلک و مهریزی و به تبع آنها دادفر و عبدی این مسجد را مسجد جامع قم نامیده‌اند^۴ اما گزارش قمی در اینکه مسجد دزپل، مسجد جامع نیست، صراحت دارد.^۵ مسجد جامع معمولاً مسجدی است که در آن نماز جمعه برگزار می‌شد.^۶ از نوع بیان صاحب کتاب تاریخ قم چنین استنباط می‌شود که نماز جمعه در شهرهایی برگزار می‌شد که از نظر تقسیمات کشوری مرکز «کوره» - احتمالاً معادل شهرستان امروزی - به‌شمار می‌رفتند. پس از استقلال قم از اصفهان در سال ۱۸۵ ق منبری در مسجد دزپل قرار داده شد اما از آنجاکه قمی‌ها به خاطر سنی بودن حکومت مرکزی - خلافت عباسی - چندان به نماز جمعه اهمیت نمی‌دادند، قمی از این مسجد با عنوان مسجد جامع یاد نمی‌کند. در سال ۲۸۵ ق مسجد دیگری در خارج از قم به‌عنوان مسجد جامع ساخته شد.^۷ قمی از مسجدی دیگر معروف به «مسجد سعدآبادی» - که به دست یکی از بزرگان اشعری در بازار قم بنا شد - نام می‌برد که در زمان حکومت امرای ترک (مفلح ترکی) برای مدتی در آن نماز جمعه برگزار می‌شد.^۸

با آنکه نمی‌توان مسجد دزپل را مسجد جامع نامید ولی از گزارش قمی چنین به‌دست می‌آید که

۱. دادفر و عبدی، «تأثیر مهاجرت اشعریان بر تحولات اجتماعی»، شیعه‌شناسی، ص ۱۲۶ - ۱۲۵.

۲. دزپل.

۳. قمی، تاریخ قم، ص ۱۰۴ - ۱۰۰.

۴. حیدرسرلک و مهریزی، «اشعریان و تأسیس نخستین دولت شهر شیعه»، شیعه‌شناسی، ص ۵۶؛ دادفر و عبدی،

«تأثیر مهاجرت اشعریان بر تحولات اجتماعی»، شیعه‌شناسی، ص ۱۲۸.

۵. قمی، تاریخ قم، ص ۱۰۴.

۶. کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۲۲۱.

۷. قمی، تاریخ قم، ص ۱۰۶.

۸. همان، ۱۱۰ - ۱۰۹.

این مسجد اولین و مهم‌ترین مسجد اشعری‌ها در طول سکونت آنها در قم بوده است. از این رو نمی‌توان نقش محوری این مسجد را در ساختار شهری قم نادیده گرفت؛ تأسیس این مسجد را می‌توان از اقدامات مهم تأسیسی اشعریان قلمداد کرد؛ زیرا مسجد زمینه‌ساز وفاق اجتماعی - اعتقادی و انسجام و به هم پیوستن ساکنان محله‌ها - که در واقع صورت توسعه یافته دهکده‌های هفتگانه بودند - می‌شد. اشعریان، ضمن تبلیغ برای گروهش مجوسان به اسلام، با تأسیس این مسجد، گام‌هایی بنیادین در جهت انسجام نظام اجتماعی خود برداشتند؛ زیرا گروهش به اسلام و ایمان اسلامی به لحاظ کارکرد اجتماعی، در مسجد ظهور می‌کند که نماد اجرای شریعت و تحقق جامعه مؤمنان است.^۱

نام‌هایی که برای اماکن عمومی در شهر قم استفاده شده، نشان می‌دهد که اشعری‌ها بانی شکل‌گیری و توسعه شهر قم بودند. غیر از دروازه ری و دروازه مسجد جامع - که به ترتیب به راه خراسان و راه ساوه و آبه می‌رسیدند - دروازه‌های دیگر شهر به نام بزرگان اشعری نامیده می‌شدند. راه همدان از دروازه عبدویه اشعری، راه عراق از دروازه نصر بن عامر اشعری، راه جبال قم از دروازه حسن بن علی بن آدم اشعری و راه کاشان از دروازه ولد احوص بن سعد اشعری، قابل دسترس بودند. از شش میدان و چهار پل نیز در شهر قم نام برده شده که همگی با نام بزرگان اشعری شناخته می‌شدند: میدان یسع بن عبدالله اشعری، میدان حسن بن علی بن آدم اشعری، میدان یحیی بن عمران اشعری، میدان مالک بن سعد اشعری، میدان حسن بن سعد اشعری و میدان ایوب بن موسی اشعری، پل عبدویه اشعری، پل بکجه (علی بن عبدالله اشعری)، پل ابوعلویه اشعری و پل سهلویه اشعری.^۲

از آنچه ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که باعث و بانی و مدیران شهر قم اشعری‌ها بودند. با این حال به نظر می‌رسد که آنها ناگزیر از به‌کارگیری تجارب و مهارت‌های بومیان ایرانی بودند. تغییراتی که اشعری‌ها در زمینه الگوی سکونت و ساختار شهری به‌وجود آوردند، از دو ساحت قابل بررسی است: از یک سو اشعری‌ها با توجه به اقلیم ناحیه قم از نظر الگوی سکونت و سنن اداری، خود را با سبک بومیان وفق دادند و از سوی دیگر آنها با توسعه دهکده‌های هفت‌گانه، برای نخستین بار در دوره اسلامی، ساختار یک شهر که شامل بناهای مسکونی متنوع، بازار و عمارت‌های اداری و مساجد می‌شد را در ناحیه قم به وجود آوردند. بی‌تردید این تغییرات به آنها کمک کرد تا زندگی خود را در ناحیه قم تداوم بخشند.

۱. دادفر و عبدی، «تأثیر مهاجرت اشعریان بر تحولات اجتماعی»، شیعه‌شناسی، ص ۱۲۸.

۲. قمی، تاریخ قم، ص ۷۱ - ۶۲.

دگرگونی نظام اقتصادی قم توسط اشعری‌ها با بهره‌برداری از امکانات سرزمینی

در جوامع یک‌جانشین انسانی، به‌ویژه در مناطقی که منابع زیستی به‌طور طبیعی در اختیار انسان نیست و نیازمند واسطه‌گری انسان در تهیه این منابع است، نوع و شیوه تولید - که یک فعالیت انسانی به‌شمار می‌رود - در معیشت انسان تأثیر شایانی دارد. مهم‌ترین شیوه تولید در قم، کشاورزی بود. خوشبختانه گزارش‌های مفصلی از فعالیت‌های مربوط به کشاورزی اشعریان در قم در دست است. قنات‌هایی که پس از زوال ساسانیان از رونق افتاده بودند، دوباره با اراده اشعری‌ها و یاری بومیان دایر شد؛^۱ این کاریزها تا اواخر دوره ساسانیان جاری بودند، سپس «روی در نقصان نهادند و ... خراب شدند»^۲ اشعریان نام سران خود را بر روی کاریزهای بازسازی شده یا تازه تأسیس نهادند. اسامی کاریزهای قم بدین شرح است:

کاریز عبدالله بن سعد اشعری (خوشاب)، کاریز عبدالله بن سعد (شوراب)، کاریز سعد بن مالک بن احوص، کاریز عمران و الیسع، ابنی^۳ عبدالله اشعری، کاریز عبدالرحمن و محمد، ابنی عبدالله بن سعد، کاریز ابی‌بکر بن عبدالله بن سعد، کاریز مالک بن سعد بن مالک بن احوص،^۴ کاریز اسحاق بن سعد و علی بن آدم، کاریز مرزبان بن عمران بن عبدالله بن سعد، کاریز محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد و سعد بن سعد بن عبدالله، کاریز موسی بن یعقوب بن عبدالله بن سعد، کاریز آدم و محمد، ابنی علی بن آدم اول، ابنی علی بن آدم ثانی، کاریز سعد و محمد، ابنی عامر بن سعد بن مالک [بن] احوص، کاریز موسی بن آدم، کاریز اسماعیل بن عیسی بن عبدالله و اسماعیل بن سعد، کاریز ابی‌غالب، کاریز عطاء بن مزید، من موالیهم،^۵ کاریز نعیم بن سعد بن مالک الکبیر، کاریز سعد بن زیاد بن مالک الکبیر.^۶

با افزایش جمعیت در طول زمان و مهاجرت‌های جدید، بزرگان قوم علاوه بر احیای قنات، ناچار بودند منابع جدیدی بر منابع موجود آب بیفزایند تا هم بر حجم تولید اضافه شود و هم محصولات

۱. همان، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۳۰.

۳. ابنی تشنیه ابن است، به معنای دو فرزند.

۴. قمی، تاریخ قم، ص ۱۲۹ - ۱۲۷.

۵. از موالی اشعریان؛ یعنی عطاء بن مزید، گرچه از تیره اشعریان قم نبود، ولی به رسم آن روزگار با آنان هم پیمان شده، از این رو از موالی آنان بشمار می‌رود.

۶. همان، ص ۱۲۸ - ۱۲۷.

کشاورزی متنوع‌تری به عمل آید. پیش از ورود اعراب، جو، زیره و قرطم^۱ در قم کشت می‌شد. کشت تره‌بار و صیفی‌جات به خاطر کم‌آبی امکان‌پذیر نبود.^۲ یکی از عوامل کم‌آبی در قم این بود که مردم ثیمره و انار - که در قسمت علیای رود قم ساکن بودند - آب رودخانه را یک ماه پس از نوروز می‌بستند. اعراب مهاجر چون قدرتی به هم رساندند، بالاخره با اهالی بالارود توافق کردند که دو دانگ از آب برای اهل قم و چهار دانگ برای اهل ثیمره و انار باشد. با توافقی که صورت گرفت، تداوم کشاورزی در قم تضمین شد و انواع محصولات کشاورزی از قبیل انواع سبزی‌ها، جالیز و پنبه و انواع بقول^۳ در قم به عمل آمد.^۴ به این ترتیب توان رزمی اعراب اشعری برای آنها این امکان را فراهم کرد تا از آب رودخانه قم، در فصولی که کشتزارها نیاز به آب داشتند، بهره‌مند شوند.

مهاجران برای مدیریت منابع آبی - که از رودخانه و کاریزها در قم روان می‌شد - مبادرت به احداث جوی‌های جدیدی کردند. از جمله سعد بن مالک بن احوص با به کار گرفتن مردانی پرکار از قومش، مقنیان و کشاورزان، جویی به نام «جوی سعد» و دهی بر در دروازه ری - که آن را سعدآباد می‌گفتند - احداث کرد.^۵ عرب‌های مهاجر آب کاریزها را به آب رودخانه قم می‌افزودند و با حفر جوی‌هایی، آب را از رودخانه به سوی مزارع هدایت می‌کردند. قسمتی از آب برای آبیاری باغ و بستان‌ها به شهر همچنان می‌رفت. در زمستان بخشی از آب، انبار می‌شد و بخشی دیگر در بیشتر جاهای شهر، محله‌ها و دروازه‌ها روان بود. آب آن قدر فراوان بود که هر کسی و به هر منظوری، به سهولت می‌توانست از آن استفاده کند.^۶

دو روایت از تعداد جوی‌ها، نهرها و میزان آب شهر قم در دست است. ابراهیم بن علی در سال ۳۲۱ ق و محمد بن علی - که فرزندزاده اوست - در ۳۴۷ ق میزان آب روزمینی قم را گزارش کرده‌اند. به حساب و تفصیل ابراهیم بن علی حجم آب هشتصد و ده مستقه^۷ و دانقی و دو حبه و پنج دانگ حبه

۱. به فارسی این گیاه را «گلرنگ» و تخم آن را «تخم کافشه» یا «خسک دانه» و در گیلان «تخم کاجره» یا «تخم کازیره» می‌گویند. (میرحیدر، معارف گیاهی، ج ۲، ص ۴۰۶).

۲. قمی، تاریخ قم، ص ۱۴۷.

۳. بقول: جمع «بقل» به معنای گیاه لپه‌دار. (قمی، تاریخ قم، ص ۱۵۰)

۴. همان، ۱۵۰ - ۱۴۸.

۵. همان، ص ۱۵۵.

۶. همان، ص ۱۳۰ - ۱۲۹.

۷. مستقه: عبارت از آهنی است مانند ذراع که بر آن علامت و نشان نهند و بدان آب قسمت کنند، هر علامتی دلیل است بر مقدار مستقه، بعضی دیگر گویند که: مراد از مستقه جزوی است از اجزای این آب. (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا،

ج ۴۴، ص ۳۶۲)

و ربع و عشر و سدس حبه و به حساب و تفصیل فرزندزاده او محمد بن علی: نهصد و بیست و چهار مستقه و دو دوانق و پنج حبه بوده است. می‌توان حدس زد که در ۲۶ سالی که بین دو گزارش فاصله افتاده، استخراج آب افزایش یافته است. مؤلف تاریخ قم دو گزارش را باهم تلفیق کرده و از ۲۲ جوی و نهر نام می‌برد؛

جوی ازدورقان، جوی براوستان، جوی طبشقوران، جوی خمیهن، جوی الیسع و کرکان، جوی ابی بکر باسرفت، جوی سرروز، جوی جمکران، نهر ابرشتجان، نهر دینار جوهر، نهر مؤنه، نهر مسکران و کره، نهر شهرستان، نهر ممجان، نهر جمر، نهر مرواه، نهر مزدجان، نهر فرابه، نهر کمیدان، نهر سعدآباد، نهر میانرودان، نهر عامر.^۱

در آن عصر، آب تنها کاربرد کشاورزی نداشت. در طول مسیر جوی‌ها و نهرها، آسیاب‌هایی احداث می‌شد تا غلات مورد استفاده انسان‌ها و حیوانات آرد شود. احیای قنوات و ایجاد نهرها و جوی‌ها، فرصت بیشتری برای ایجاد آسیاب فراهم می‌کرد. ضرورت احداث آسیاب زمانی بیشتر احساس می‌شد که تراکم جمعیت در یک منطقه افزایش می‌یافت. قم ۵۱ آسیاب بر سر نهرهای گوناگون داشته است که در هنگام تألیف تاریخ قم، تعدادی از آنها از کارافتاده بود؛ ۲ آسیاب بر سر رودخانه قم، ۷ آسیاب بر سر نهر براوستان، ۴ آسیاب بر سر نهر طبشقوران، ۴ آسیاب بر سر نهر جمکران، ۶ آسیاب بر سر نهر شهرستان، ۳ آسیاب بر سر نهر فرابه، ۱ آسیاب بر سر نهر سکن، ۲ آسیاب بر سر نهر سعدآباد، ۱ آسیاب بر سر نهر محمدآباد، ۳ آسیاب بر سر نهر کمیدان، ۴ آسیاب بر سر مزدجان، ۲ آسیاب بر سر نهر ابرشتجان [ابرشتجان]، ۱۰ آسیاب بر سر نهر یسع آباد و ۲ آسیاب بر سر نهر جمر. نام این آسیاب‌ها برخی عربی و برخی فارسی است. آسیاب‌هایی که نامشان عربی است، یا به دست مهاجران عرب تأسیس شده یا مالکیت آنها در دست آنها بوده است. وجود این همه آسیاب در قم نشانه جمعیت فراوان است.^۲

درمجموع اشعریان ۲۵۰ ده و مزرعه را در قم آباد کردند؛ برخی از آنها از قدیم وجود داشتند اما به مرور زمان خراب شده بودند تا اینکه اشعری‌ها دوباره آنها را آباد کردند و بعضی دیگر هیچ پیشینه‌ای نداشتند و اشعری‌ها نخستین بار آنها را بنا نهادند. تعدادی از این ده‌ها و مزارع که نام اشعریان را با خود همراه دارند، عبارت‌اند از؛ سعدآباد بانی سعد بن مالک، ما لک آباد سراج بانی مالک بن احوص، شعیب آباد بانی شعیب بن عبد الله بن سعد، عمران آباد بانی عمران بن عبد الله بن سعد، یعلی آباد بانی یعلی

۱. قمی، تاریخ قم، ص ۱۶۳ - ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۶۹ - ۱۶۳.

بن حمّاد، حمزه آباد بانی حمزه بن الیسع، باغات بنین بانی زکریای بن مالک بن احوص و ...^۱. مهاجران در قم به خاطر اهمیت آب، دیوان ویژه‌ای به نام «دیوان آب» به وجود آوردند. دیوان را معتمدان آل سعد اداره می‌کردند. خرید و فروش، تنظیم اسناد و نگهداری آنها در آنجا صورت می‌گرفت. افزایش آب و به تبع آن افزایش تولیدات محصولات کشاورزی و تشکیلات منظمی که برای مدیریت آب به کار گرفته شد، قیمت آب را افزایش داد. به طوری که بهای یک مستقه آب از ۱۲۰ دینار به ۲۰۰ دینار رسید. از این ۲۰۰ دینار ده دینار به دیوان می‌رسید و از هر ده دینار دو دینار بابت لایروبی قنوات اخذ می‌شد.^۲

بهبود نظام آبیاری و افزایش درآمد حاصل از زمین، موجب افزایش مال و ثروت اشعری‌ها شد. اشعری‌ها با جدیت به احیا و حفر قنوات، حفر نهرها و جوی‌ها، احیا و بنای مزارع و ده‌ها و تأسیس دیوان آب پرداختند و به این ترتیب نظامی مطمئن برای بهره‌برداری بهتر و آسان‌تر از منابع آبی و خاکی به وجود آوردند. آنها با توسعه کشاورزی، منابع مالی خود را تقویت کرده و به تبع آن بر منابع سرزمینی قم، سلطه‌ای بلامنازع یافتند.^۳ به عبارت دیگر اشعریان با تقویت بنیه اقتصادی، تداوم سکونت بلند مدت خود را در ناحیه قم تضمین کردند.

نتیجه

از اواخر قرن اول هجری، قم به‌عنوان سرزمین مقصد، از سوی گروهی از اشعریان کوفه که هوادار علی (ع) بودند، برگزیده شد. افزون بر تأمین امنیت، سرزمین قم شرایط لازم را برای زیست پایدار آنها فراهم کرد. هرچند آنها در آغاز، به منظور مقابله با شیبخون‌های گاه‌و‌بیگاه دیلمی‌ها، از سوی بومیان پذیرفته شدند و در عوض این خدمت، زمین‌ها و اموالی محدود دریافت کردند اما با گذشت زمان، با ایجاد تغییر در الگوی سکونت، ساخت بناها و به‌کارگیری سنن مدیریتی، بنیان‌های ضروری برای ایجاد یک شهر را در ناحیه قم فراهم کردند.

تکاپوهای آنها در ساحت اقتصادی، منجر به تسلط آنها بر منابع آبی و خاکی و کار کشاورزی - که وجه غالب تولید در ناحیه قم بود - شد. آنها در قم به احیاء قنات‌ها، روستاها و مزارع قدیمی مبادرت ورزیدند و قنات‌ها، جوی‌ها و نهرها، روستاها و مزارع جدیدی احداث کردند و با به‌وجود آوردن یک نظام جدید آبیاری (دیوان آب) زمین‌های بایر بیشتری را زیر کشت بردند. بی‌تردید

۱. همان، ص ۱۸۲ - ۱۸۱.

۲. همان، ص ۱۶۲ - ۱۶۱.

۳. همان، ص ۷۴۰ - ۶۷۹.

اقدامات آنها در زمینه مدیریت منابع سرزمینی ناحیه قم، این امکان را فراهم آورد که بتوانند نیروهای بومی را از جایگاه مدیریتی منطقه به زیر آورند و خودشان در رأس هرم اجتماعی و اقتصادی قم قرار گیرند، به طوری که قم در زمان سلطه اشعریان، از نظر ارتباط مالی با مرکز حکومت، از اصفهان جدا شد و از نظر تقسیمات کشوری ارتقاء یافت. افزون بر این، بهره‌برداری مناسب از امکانات سرزمینی ناحیه قم توسط اشعریان، تداوم سکونت آنها را به مدت سه قرن در ناحیه قم تضمین کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابه فی تمیز الصحابه*، دراسه و تحقیق و تعلیق عادل احمد عبد علی محمد معوض؛ قدم له و قرظه محمد عبد المنعم البری، عبدالفتاح ابوسنه، جمعه طاهر نجار، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن رسته، احمد بن عمر، *الأعلاق النفیسه*، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲ م.
۳. ابن سعد، محمد، *طبقات الکبری*، ج ۴، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر، *مهاجران آل ابی طالب*، ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد، آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
۵. ابن فقیه، احمد بن محمد همدانی، *البلدان*، ابن الفقیه / ترجمه مختصر، محقق محمدرضا حکیمی، مترجم مسعود، بنیاد فرهنگ تهران، ۱۳۷۹.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۲، بیروت، دار الصادر، ۱۴۱۰ ق.
۷. اشعری، زهرا، *جایگاه خاندان اشعری در مکاتب حدیثی شیعه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء ع، ۱۳۸۸.
۸. اصطخری، ابراهیم بن محمد، *المسالک و الممالک*، قاهره: هیئة العامة لقصور الثقافة، ۲۰۰۴ م.
۹. اصفهانی، ابی الفرج، *مقاتل الطالبیین*، شرح و تحقیق السید احمد صقر، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۷.
۱۱. بیات، علی، زهره دهقان پور، «انگیزه‌های کوچ اعراب مسلمان به ایران در جریان فتوح و پیامدهای آن»، *فصلنامه علمی تخصصی سخن تاریخ*، ش ۱۵، ۱۳۹۰.
۱۲. بیگ محمدی، حسن، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
۱۳. پیروزفر، سهیلا و آجیلیان، محمدمهدی مافوق، «خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم»، *حدیث پژوهی*، ش ۵، ۱۳۹۰.

۱۴. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن نهم هجری*، تهران، علم، ۱۳۹۴.
۱۵. حاج تقی، محمد، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، *علوم حدیث*، ش ۵، ۱۳۷۶.
۱۶. حسینیان مقدم، حسین و دیگران، *تاریخ تشیع ۲: دولت‌ها، خاندان‌ها و آثار علمی و فرهنگی شیعه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۶.
۱۷. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۱۸. حیدر سرلک، علی محمد و مهریزی، مهدی، «اشعریان و تأسیس نخستین دولت شهر شیعه»، *شیعه‌شناسی*، ش ۳۹، ۱۳۹۱.
۱۹. خاکرند، شکرالله، «نظریه جغرافیایی فلسفه تاریخ»، *کیهان اندیشه*، ش ۱۴، فروردین ۱۳۷۷.
۲۰. دادفر، سجاد و عبدی، عیسی، «تأثیر مهاجرت اشعریان بر تحولات اجتماعی»، *شیعه‌شناسی*، ش ۵۶، ۱۳۹۵.
۲۱. داوطلب، نجمه‌السادات، «نقش مذهبی و فرهنگی خاندان اشعری در گسترش تشیع تا قرن چهارم هجری»، *فرهنگ پژوهش*، ش ۸، ۱۳۸۹.
۲۲. دریانوردیان، مهناز، *بررسی جایگاه اشعریان قم و تشیع در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۲.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۶۴.
۲۴. السید علی، السید محمد، «الاشعریون فی تاریخ قم»، *الهادی*، ش ۴، ۱۳۹۲ ق.
۲۵. شکوئی، حسین، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، ج ۱، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۷۵.
۲۶. صفری، رضا، *تشیع در ایران قرن دوم و سوم هجری*، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوك*، ج ۱۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
۲۸. فرشچیان، رضا، «نخستین شیعیان در ایران»، *مطالعات ایرانی*، ش ۱۲، ۱۳۸۶.
۲۹. فرید، یدالله، *سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی*، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۰.
۳۰. قدامة بن جعفر، *کتاب الخراج*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰.
۳۱. قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، مصحح محمدرضا انصاری، قم، کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۵.
۳۲. کریمی، بهزاد، «مکتب تاریخ‌نگاری آنال»، *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، دوره ۶، ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

۳۳. کیانی، محمدیوسف، *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷.
۳۴. لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۳۵. مادلونگ، ویلفرد، «تشیع امامی و زیدی در ایران»، ترجمه رسول جعفریان، *کیهان اندیشه*، ش ۵۲، ۱۳۷۲.
۳۶. مقدسی، محمد بن احمد، *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، ج ۱، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
۳۷. مکنوندی، لیلی، *خاندان اشعری*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء ع، ۱۳۸۲.
۳۸. میرحیدر، حسین، *معارف گیاهی*، ج ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۹. ناشناخته، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ترجمه و تحقیق یوسف الهادی، قاهره، دار الثقافة للنشر، ۱۴۲۳ ق.
۴۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آبتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.

